



بررسی های حقوقی

ظهنویسی و

آثار حقوقی آن در اسناد تجاری

مقدمه: کلیه اسنادی که در داد و ستدهای روزانه بین بازرگانان و اشخاص بکار میروند، اسناد بازرگانی نامیده میشوند. اسناد، جمع سند و آن عبارت است از هر نوع نوشته ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد^۱. این تعریف هم اسناد عادی و هم اسناد رسمی را شامل میگردد. با عنایت به تعریف اسناد رسمی^۲، چون اسناد تجاری خارج از این تعریف قرار میگیرند باید آنها را از جمله اسناد عادی تلقی نمود. مع ذلک قانونگذار به دلیل

اهمیت این اسناد و نقش مهم آنها در عملیات تجاری و سرعت بخشیدن به انتقال و گردش ثروت و ایجاد اعتبار و تقویت آن که از ضرورت های لاینفک تجارت می باشد، مزایای برای آنها قائل شده^۳ که سایر اسناد عادی فاقد مزایای مزبور می باشند.

گرچه در قانون تجارت «اسناد تجاری» با این تسمیه فصل و عنوان خاصی ندارد ولی ردیف کردن سه سند عمده تجاری یعنی: برات^۴، فته طلب (سفته)^۵ و چک^۶ در ذیل باب چهارم نشان میدهد که قصد

۱ - ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی.

۲ - اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد، رسمی است و الا عادی تلقی میگردد. (مواد ۱۲۸۷ و ۱۲۸۹ قانون مدنی)

۳ - برخی از مزایای اسناد تجاری عبارتند از: مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان - امتیاز در تأمین خواسته (در صورت اقامه دعوی) بدون تودیع زیان احتمالی طرف - مسئولیت کیفری در مورد چک - قابلیت واخواست و اعتبار اینگونه اسناد نزد بانکها و اشخاص.



مطابق ماده (۵) آئین نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) مصوب ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار، تنزیل اسناد و اوراق تجاری توسط بانکها در صورتی مجاز است که سررسید این قبیل اسناد و اوراق از یکسال تجاوز ننماید.

شناخته شد و در اواخر این قرن بین تجار این کشور و فرانسه مرسوم گشت. اما تنها در اواسط قرن هفدهم بود که بازرگانان انگلیسی نیز به منافع آن پی برده و از آن پس بین آنان متداول شده است.^۳

علت این موفقیت و بتدریج عالمگیر شدن ظهور نویسی برات در این است که سابق بر آن دارنده برات جهت انتقال سند مجبور بود به تشریفات سنگین حقوق مدنی روی آورد که این امر با اصل سرعت در عملیات تجاری مغایرت داشت. ظهور نویس با قصد و رضا سند را با تمام تعهدات ناشی از آن به شخص ثالث انتقال میدهد و قانون با ضوابط خود باعث استحکام صورت ظاهر سند و تمام نقل و انتقالات آن گشته، سرانجام اعتماد و اطمینان نسبت به اسناد تجاری را در میان بازرگانان توسعه میدهد. آنچه در این مقاله مورد بحث قرار میگیرد، انواع ظهور نویسی در

مقنن ایجاد مقرراتی برای عمده ترین اسناد تجاری معمول بوده است.

یکی از عملیاتی که بر روی اسناد تجاری انجام میگیرد و معاملات آنها را آسان میسازد، ظهور نویسی یا پشت نویسی^۱ است که باید مطابق مقررات قانونی انجام گیرد.

از آنجا که حقوقدانان^۲، فوائد اسناد تجاری را از جمله ایجاد اعتبار، وسیله انتقال طلب یا دین و وسیله پرداخت میدانند ظهور نویسی در تحقق این فوائد نقش مهمی دارد بطوریکه هر چه عمل ظهور نویسی بر روی این اسناد بیشتر انجام شود، موجب افزایش اعتبار آن گردیده و در پرداخت دین و انتقال طلب نیز غالباً عمل مزبور دخالت دارد.

پشت نویسی در برات از جنبه تاریخی در اوایل قرن شانزدهم میلادی و در ایتالیا

4). Bill of Exchange

6). Cheque

5). Promisory note

1). Endorsement

۲ - حسینقلی کاتبی، حقوق تجارت، (تهران: انتشارات کتاب فرزاد، ۱۳۶۳)، ص ۱۸۴/منصور راستین، حقوق بازرگانی، (تهران: انتشارات علوم اداری و مدیریت بازرگانی، ۱۳۵۳)، ص ۲۳۷.

۳ - محمد صقری، جزوه حقوق تجارت (۳)، (تهران: دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۶۹) ص ۳۴.

اسناد تجارتي و احكام و مقررات مربوط به آنها خواهد بود.

الف - انواع ظهرنویسی:

ظهرنویسی اسناد تجارتي عملی است که بوسیله آن دارنده سند، تمام یا قسمتی از حقوقی را که در آن سند دارد به دیگری واگذار می نماید. ظهرنویسی را می توان به دو نوع تقسیم نمود: ۱ - ظهرنویسی انتقالی، ۲ - ظهرنویسی غیرانتقالی.

۱ - ظهرنویسی انتقالی: ظهرنویسی انتقالی عملی است که بوسیله آن ظهرنویس، تمام حقوق ناشی از سند تجارتي خود را به دیگری منتقل می نماید. بزرگترین فایده اسناد تجارتي نقل و انتقال وجوه می باشد. هر قدر سند تجارتي (مثلاً برات^۱) بیشتر جریان داشته و انتقال یابد به رونق امور بازرگانی کمک بیشتری می گردد؛ زیرا، امکان دارد از اعتباری که برات دهنده (براتکش) نزد محال علیه دارد چندین نفر استفاده کرده و در امور بازرگانی آنان تسهیلاتی فراهم شود. چنانچه دارنده برات

مدت دار قبل از سر رسید نیاز به پول داشته باشد می تواند با پشت نویسی، حقوقی را که در برات دارد به بانک یا شخص حقیقی واگذار کرده و با تنزیل، بقیه وجه آن را نقداً دریافت دارد.

معمولاً بانکها، بخصوص بانکهای فرانسه برواتی را که درازمدت است (از سه ماه بیشتر وعده دارد) تنزیل نمی کنند و بیشتر براتها کوتاه مدت می باشند و در بانکها مورد عمل واقع میشوند.^۲

مطابق مواد (۵) و (۶) آئین نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (مصوب ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار) تنزیل اسناد و اوراق تجاری توسط بانکها در صورتی مجاز است که سر رسید این قبیل اسناد و اوراق از یکسال تجاوز ننماید. همچنین بانکها می توانند اوراق و اسناد تجاری را به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی^۳ آنها تنزیل نمایند. در هر حال این تفاوت قیمت نمی تواند بیش از ۱۲ درصد باشد.^۴

برات و سفته علاوه بر قابلیت تنزیل مانند چک- وسیله ای جهت پرداخت نیز محسوب میشوند؛ یعنی، تاجر می تواند اسناد

۱ - برات عبارت از نوشته ای که بموجب آن شخصی بنام براتکش (محیل) به دیگری که براتگیر (محال علیه) می باشد دستور میدهد تا مبلغ معینی را در زمانی مشخص یا به رؤیت یا به وعده از رؤیت در وجه یا حواله کرد دارنده آن (محال له) کارسازی نماید.

۲ - منصور راستین، پیشین، ص ۲۵۹.

۳ - مبلغ اسمی رقمی است که در متن اسناد و اوراق تجاری ذکر گردیده و حاکی از میزان دین می باشد.

۴ - اداره تشکیلات و روشهای بانک صادرات ایران، مجموعه دستورات سیستمهای عملیاتی، (تهران: بانک صادرات ایران، بی تا)، بخش مصارف، ص ۴۰

مذکور را به نفع طلبکار طرف معامله خود
ظهرنویسی نموده و بدینوسیله دین خود را
نسبت به او اداء نماید.

خصوصیت بارز ظهرنویسی اسناد
تجارتی، درانتقال ساده آنها بدون تشریفات
صدور دفاتر اسناد رسمی و اقامه شهود و
تحمل هزینه است که این امر خود از اصل
سرعت در عملیات تجارتي نشأت میگیرد.
چنانکه در ماده (۲۴۵) قانون تجارت مذکور
است، انتقال برات بوسیله ظهرنویسی بعمل
می آید. از مفهوم این عبارت چنین برمی آید

می باشد. همچنین پشت نویسی ممکن است
بصورت سفید امضاء^۱ و یا در وجه حامل انجام
گیرد.

مطابق مواد (۱۲) و (۱۴)
«کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل
در خصوص برات و سفته» منعقد در ژنو
(به تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۳۰)، ظهرنویسی به نام
حامل در حکم ظهرنویسی سفید امضاء
می باشد.^۲

۲ - ظهرنویسی غیرانتقالی: این نوع
ظهرنویسی از لحاظ اهمیت حقوق دارنده

در قانون تجارت ایران ذکر از ظهرنویسی جهت وثیقه نگردیده ولی در کنوانسیون ژنو، ظهرنویسی جهت تضمین پذیرفته شده است.

سند ضعیف تر از ظهرنویسی انتقالی است
زیرا تنها در پشت نویسی انتقالی است که
تمام حقوق ناشی از برات، سفته و یا چک
به ذی نفع انتقال می یابد. بنابراین ظهرنویسی
غیرانتقالی به این معناست که ظهرنویس،
تمام حقوق ناشی از سند را به دیگری واگذار
نمی کند بلکه سند مزبور را بعنوان وثیقه یا

که ناقل، لازم نیست به دفاتر اسناد رسمی
مراجعه نماید. علاوه بر آن نوشتن عباراتی
دال بر انتقال نیز بوسیله قانونگذار اجبار یا
توصیه نشده است.
ظهرنویسی ممکن است در وجه شخص
معینی و یا علاوه بر آن به حواله کرد او باشد
که حاکی از انتقال سند و قابلیت انتقال آن

۱ - ظهرنویسی سفید امضاء وقتی است که محال له (ذینفع) برات را امضاء نموده و ضمن ظهرنویسی
منتقل الیه را تعیین ننماید که در این صورت منتقل الیه حق دارد نام خود یا دیگران را در ظهر برات قید و یا
برات را عیناً به شخص دیگری انتقال دهد.

۲ - آثار حقوقی این دو نوع ظهرنویسی با هم متفاوت است. زیرا، در ظهرنویسی بنام حامل، تنها حامل سند
متصرف آن محسوب میشود در صورتیکه در ظهرنویسی سفید امضاء، دارنده با نوشتن نام خود یا دیگری و یا
حامل، رابطه حقوقی با سایر امضاء کنندگان سند برقرار میکند. [به نقل از محمود عرفانی، جزوه حقوق
تجارت ۳، (تهران: دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۶۴)، صص ۴۹ و ۵۰].

وکالت بدیگری میدهد تا تحت شرایطی برای دی نفع قابل استفاده باشد. ظهرنویسی غیرانتقالی بردو قسم است: ۱ - ظهرنویسی بعنوان تضمین (وثیقه) ۲ - ظهرنویسی بعنوان وکالت.

۱ - ۲ - ظهرنویسی بعنوان تضمین^۱: دارنده برات یا سفته ممکن است سند را جهت تضمین (گرو) ظهرنویسی کند؛ زیرا، اسناد تجارتي می‌توانند مورد وثیقه قرار گیرند به این معنا که محال له یا دارنده (راهن) با ظهرنویسی، مبلغ مندرج در برات را نزد شخص دیگری (مرتهن) به وثیقه میگذارد. علت ظهرنویسی مزبور در این است که در بعضی از مواقع ظهرنویس مجبور است تعهد مالی خود را در مقابل طلبکار تضمین نماید. در این صورت چنانچه طلبکار بپذیرد، ظهرنویس می‌تواند سند را جهت وثیقه تعهد خود ظهرنویسی نموده، در اختیار وی قرار دهد.

بعلاوه اگر سندی دارای سررسید طولی‌المدت باشد تنزیل آن جهت تحصیل اعتبار کوتاه مدت به صرفه نمی‌باشد چون بانک با در نظر گرفتن موعد سند مذکور و بارعایت ماده (۶) آئین نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری، مبلغ قابل توجهی از آن را کسر نموده و سپس اعتبار میدهد و این در حالی است که تاجر فقط برای مدت کوتاهی به اعتبار احتیاج دارد، چه اینکه ممکن است به علت بالا بودن مبلغ اسمی سند، بانک از

تنزیل آن خودداری نماید؛ زیرا، مطابق ماده (۷) اصلاحی آئین نامه مذکور (مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۱۷) حداکثر میزان تعهدات هر شخص حقیقی ناقل از تنزیل اسناد اوراق تجاری پنج میلیون ریال و برای هر شخص حقوقی پنجاه میلیون ریال تعیین شده است.^۲ بنابراین مبالغ بالاتر از میزان ذکر شده در ماده مذکور، قابل قبول برای تنزیل نمی‌باشد. پس برای ناقل، بهتر این است که بجای تنزیل سند، آن را به رهن داده و بعد از آنکه اعتبار دریافتی را مسترد نمود سند مزبور را آزاد سازد.

بازرگانی که برای بدست آوردن اعتبار، برات سفیدی را امضاء کرده و به بانک می‌سپارد، باید در موعد مقرر نسبت به انجام تعهد خود اقدام کند و الاً بانک حق دارد برات مزبور را تکمیل نموده و وجه آن را مورد وصول قرار دهد. در قانون تجارت ایران ذکری از ظهرنویسی جهت وثیقه نگردیده است، اما قدر مسلم اینکه ظهرنویسی مزبور منع قانونی ندارد. در کنوانسیون ژنو، ظهرنویسی جهت تضمین پذیرفته شده است. ماده (۱۹) این کنوانسیون میگوید: «وقتی در پشت نویسی ذکر برای تضمین یا وثیقه و رهن یا هر عبارت دیگری که حاکی از آن است میشود، منتقل الیه دارای تمام حقوق ناشی از برات میگردد، ولی ظهرنویسی مجدد توسط شخص اخیر فقط می‌تواند بعنوان وکالت مورد قبول واقع شود»^۳

۱ - محمد صفری، پیشین، ص ۳۸ و ۳۹

۲ - همان، ص ۳۸ - همان، ص ۳۹

«وقتی در پشت‌نویسی ذکر برای تضمین یا وثیقه و رهن یا هر عبارت دیگر که حاکی از آن است میشود، منتقل الیه دارای تمام حقوق ناشی از برات میگردد ولی ظهرنویسی مجدد توسط شخص اخیر، فقط می‌تواند بعنوان وکالت مورد قبول واقع شود».

به نام خود و از اینرو، وکیل نه مالکیتی در برات دارد و نه مسئولیتی در برابر دارنده اصلی.

پشت‌نویسی به عنوان وکالت از این جهت برای دارنده می‌تواند مفید باشد که گاهی اوقات برای او امکان رفتن به محل پرداخت سند وجود نداشته و مشکل است، چون محل صدور سند ممکن است با محل پرداخت آن متفاوت باشد. لذا ساده‌ترین راه برای وصول وجه سند این است که آن را قبلاً به نام شخص حقیقی یا بانک مورد اعتماد خود به عنوان وکالت ظهرنویسی نماید که بانک مذکور نیز در قبال دریافت کارمزد این خدمت را برای او انجام دهد.

در عرف بانکداری معمولاً بروات وصولی بدون انجام پشت‌نویسی و تنها به همراه وکالت‌نامه در وصول به بانک تحویل میگردد که این روش جلوی بعضی از سوءاستفاده‌های بعدی را خواهد گرفت.^۱ در صورت پشت‌نویسی بروات وصولی به بانک، باید امضاء ظهرنویس با قید وکالت در وصول تکمیل گردد. یکی از فواید عمل مزبور در این است که چنانچه مشتری

۲ - ۲ - ظهرنویسی بعنوان وکالت: علاوه بر پشت‌نویسی بعنوان وثیقه، ممکن است مواردی پیش آید که دارنده سند ظهر آن را امضاء و به دیگری جهت وصول تحویل نماید. این اقدام، ظهرنویسی توکیلی نام دارد که باید موضوع وکالت برای وصول، صریحاً در سند قید گردد. این نوع ظهرنویسی به هیچ وجه حاکی از انتقال سند نبوده و تنها واگذارنده با امضاء خود به دارنده اختیار وصول وجه سند و عنداللزوم انجام کلیه اقدامات قانونی لازم را میدهد.

مطابق مقررات تجاری، اصل بر انتقال اسناد تجاری (برات، سفته و چک) در ظهرنویسی است مگر آنکه پشت‌نویسی به عنوان وکالت (یا وثیقه) تصریح گردد. بر اساس ماده (۲۴۷) قانون تجارت، در ظهرنویسی مذکور باید به وکالت در وصول و حدود اختیارات دارنده (وکیل) تصریح شود. وکیل، حق وصول وجه سند ولدی الاقتضا حق اقامه دعوی را - جز در مواردی که خلاف آن در سند ذکر شده باشد - خواهد داشت. در این موارد وکیل بنام ظهرنویس (دارنده اصلی) اقدام نمیکند نه

وجه برات را به وکیل معزول بپردازد. لذا باید از پرداخت آن خودداری نماید و الا مسئول خواهد بود.

اگر مشتری پس از واگذاری سند، محجور یا ورشکسته و یا فوت شود آیا بانکار می‌تواند به خدمت خود ادامه دهد یا خیر؟ از لحاظ مقررات قانونی چون این نوع ظهرنویسی را می‌توان از لحاظ ماهیت حقوقی یک نوع وکالت دانست با وقوع حوادث فوق نمایندگی فسخ می‌گردد. ماده (۲۴۷) قانون تجارت که ظهرنویسی بعنوان وکالت را ذکر نموده احکام و مقررات خاصی را در این مورد بیان نکرده است که بنظر میرسد باید مانند بعضی از موارد دیگر (نظیر دلالی، حق العملکاری و شرایط اشتغال به تجارت) در برخی احکام به قواعد عام قانون مدنی استناد جست. ماده (۶۷۸) قانون مدنی مقرر می‌دارد: «وکالت به طرق ذیل مرتفع میشود: ۱- به عزل موکل ۲- به استعفای وکیل ۳- به موت یا جنون وکیل یا موکل. چنانکه ملاحظه میشود بند (۳) ماده اخیر، موت یا جنون وکیل یا موکل را موجب انفساخ وکالت ذکر کرده است. ولی مطابق مقررات کـونوانسیون ژنو مسـوردد قبول واقع نگردیده است. بند سوم ماده (۱۸) کونوانسیون یاد شده میگوید: «در ظهرنویسی بعنوان وکالت، نمایندگی بامرگ موکل یا حدوث عدم اهلیت قانون (حجر) او پایان نمی‌یابد».

بعضی از نویسندگان^۱ معتقدند: نظر به قواعد

۱- همان، ص ۴۲.

به بانک خود بدهکار باشد با ظهرنویسی بعنوان وکالت در وصول، در زمان توقف پرداختهایش سند به بانک انتقال نخواهد یافت و نتیجتاً "بعد از صدور حکم ورشکستگی او، مدیر و یا اداره تصفیه می‌تواند با مراجعه به بانک، برات مذکور یا وجه اخذ شده آن را مطالبه نماید. در این صورت بانک طلبکار تنها حق دارد برای دریافت در صدی از طلب خود در غُرمای (طلبکاران) ورشکسته داخل گردد. ولی چنانچه ظهرنویس به علت عدم دقت در ظهرنویسی، وکالت در وصول را قید ننماید و ظهرنویسی مذکور، بعنوان انتقال برات تلقی گردد، در نتیجه مبلغ برات در حساب تاجر متوقف وارد شده و بجای بدهی او محسوب می‌گردد. فلذا با صدور حکم ورشکستگی، حساب مذکور مسدود گردیده و مدیر تصفیه نمی‌تواند جهت وصول برات به بانک مراجعه کند که در این میان سایر بستانکاران ورشکسته از وصول طلب خود بی نصیب خواهند ماند.

نکته دیگر اینکه، چنانچه وکیل پس از وصول وجه برات، ورشکست شود، چون برات جزء اموال شخصی وی محسوب نمی‌گردد لذا دارنده برات جزء غرما نخواهد بود و می‌تواند وجه امانتی را تماماً دریافت دارد. در صورتیکه براتگیر (محال علیه) برات را قبولی نوشته باشد می‌تواند وجه آن را به وکیل پرداخت نماید ولی اگر پیش از پرداخت، دارنده اصلی به وی اطلاع دهد که وکیل را عزل نموده است، او مجاز نیست

اسناد تجارتي که غيرقابل انعطاف بوده و در نتیجه عزل وکیل، احتمال زياد ميرود که حق يا حقيقي از موکل پايمال شود، می توان گفت تا هنگامیکه در مورد بروات وصولی اقدامی از طرف اشخاص ذی نفع صورت نگرفته، بانک باید در حدود عرف بانکداری اقدامات معمول را بعمل آورد. بعد از بيان انواع ظهرنویسی، لازم است ظهرنویسی برات و سفته و احکام مربوط

ب- ظهرنویسی برات و سفته:
مواد (۲۴۵) تا (۲۴۸) قانون تجارت ایران مربوط به ظهرنویسی در برات می باشد که باعنایت به ماده (۳۰۹) این قانون، مواد مذکور در مورد ظهرنویسی سفته نیز رعایت میگردد. زیرا در ماده (۳۰۹) آمده است: تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول باب چهارم) در مورد سفته طلب (سفته) نیز

ظهرنویسی توکلی به هیچ وجه حاکی از انتقال سند نیست بلکه تنها واگذارنده با امضاء خود، به دارنده، اختیار وصول وجه سند و عنداللزوم انجام کلیه اقدامات قانونی لازم را میدهد.

به آن، همچنین ظهرنویسی چک، بطور جداگانه ذکر گردد.

لازم الرعايه است.^۲

چنانکه قبلاً ذکر شد، اجرای حق انتقال در اسناد یاد شده بوسیله ظهرنویسی انجام میگردد. براساس ماده (۲۴۵) قانون تجارت «انتقال برات بوسیله ظهرنویسی بعمل می آید» و این جمله میرساند که انتقال مزبور بدون رعایت هیچگونه تشریفات و مقررات خاصی قابل اجرا می باشد. حتی نوشتن عبارتی دال بر انتقال نیز لازم نیست ولی تنها عملی که در ظهرنویسی الزامی است، امضای ظهرنویس می باشد. ماده (۲۴۶) قانون تجارت میگوید: «ظهرنویسی باید به امضای

هر چند موضوع ظهرنویسی و نحوه انجام آن در اسناد مذکور یکسان می باشد اما دلیل این تفکیک و بیان جداگانه بحث، گذشته از تفکیک مواد قانون تجارت در ذکر این دو نوع ظهرنویسی، تفاوت برخی آثار و احکام به لحاظ طبیعت متنوع این اسناد می باشد؛ بطورمثال، در ظهرنویسی چک بعنوان وکالت در وصول، دارنده می تواند تحت شرایطی اقدام به اقامه دعوی کیفری علیه صادرکننده نماید در حالیکه در سفته و برات اصولاً چنین حقی از طرف قانونگذار پیش بینی نشده است.

۲- باتوجه به ماده ۳۰۹، مواد ۲۴۱ الی ۳۰۶ قانون تجارت، هم در مورد بروات قابل اجراست و هم در مورد سفته. مشروط براینکه مخالف با طبیعت سفته نباشد، همچنانکه ماده ۲۹۰ این قانون در مورد «محل برات» نسبت به سفته قابلیت اجرا ندارد.

ظهنرویس برسد...».

حقوق مزبور استفاده کند».

بنابراین می‌توان گفت، همانگونه که ذکر تاریخ در صدور برات مطابق بند ۲ ماده (۲۲۳) قانون تجارت الزامی است درظهنروسی نیز باید قید تاریخ الزامی باشد که امید می‌رود قانونگذار در اصلاحات قانونی به این مسأله عنایت داشته باشد.

قانونگذار در ماده (۲۴۸) قانون تجارت مقرر میدارد: «هرگاه ظهنرویس، درظهنروسی تاریخ مقدمی قید کند، مزور شناخته می‌شود». برابر ماده ۲۰ قانون تعزیرات (مصوب ۱۴/۸/۶۲) جعل و تزویر عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری برخلاف حقیقت یا ... تقدیم و تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی...».

چنانکه ملاحظه می‌گردد، قانونگذار جعل و تزویر را جرم تلقی نموده، جاعل و مزور را مستحق مجازات میداند.

در ماده (۲۹) قانون مزبور آمده است: «هرکس به یکی از طرق مذکور، دراسناد یا نوشتجات غیررسمی جعل یا تزویر کند یا با علم به تزویر مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارات وارده، تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم میشود». رکن مادی جرم یاد شده، نوشتن تاریخ مقدم نسبت به تاریخ واقعی و رکن معنوی آن قلب و واقعیت در ذهن که همان سوءنیت و اضرار به غیر است و رکن قانونی آن نیز موضوع ماده ۲۹ قانون فوق الذکر می‌باشد. علت اینکه قانونگذار ظهنرویس مورد نظر را مزور شناخته و مستوجب کیفر میداند در این است که حقوق

قسمت اخیر این ماده، در آنجا که می‌گوید: «ممکن است درظهنروسی تاریخ و اسم کسی که برات به او انتقال داده میشود قید گردد» خالی از ایراد بنظر نمی‌رسد. زیرا، واضح است که درظهنروسی، انتقال حقوق ناشی از برات صورت می‌گیرد و ذکر تاریخ می‌تواند زمان این انتقال را مشخص نماید. بنابراین ملزم ندانستن ظهنرویس در درج تاریخ ظهنروسی و انتقال، چندان توجیه حقوقی ندارد.

زیرا، لزوم قید تاریخ درظهنروسی از جهت تشخیص اهلیت ناقل (ظهنرویس) و منتقل الیه (دارنده جدید) حائز کمال اهمیت است. چه غیر از موارد سفته، صغرو جنون یکی از طرفین، ممکن است یکی از آنها به هنگام ظهنروسی ورشکسته باشد که در این صورت مطابق ماده (۴۱۸) قانون تجارت، تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم (ورشکستگی) از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است...»

از طرف دیگر اگر حکم ورشکستگی منتقل الیه از محکمه صادر شده باشد او نیز نمی‌تواند شخصاً به علت ممنوع التصرف بودن در اموال و حقوق مالی خود، سند مزبور را قبول نماید. ماده یاد شده در ادامه می‌گوید: «... در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و

بر اساس ماده (۲۴۵) ق. ت. : « انتقال برات بوسیله ظهرنویسی بعمل می‌آید» و این جمله می‌رساند که انتقال مزبور بدون رعایت هیچگونه تشریفات و مقررات خاصی قابل اجرا می‌باشد.

اشخاص ثالث (یعنی طلبکاران تاجر ورشکسته) محفوظ بماند و بدون دلیل مشروع یکی از آنها بردیگری ترجیح داده نشود. توضیح آنکه ممکن است بازرگانی که حکم توقف او صادر گردیده و تاریخ توقف قبل از تاریخ صدور حکم تعیین شده است بخواهد برای مخفی کردن دارائی خود و یا قلمداد نشدن آن دارائی برای غرما، براتی را با تاریخی مقدم بر تاریخ توقف و یا تبانی، به دیگری منتقل نماید که در اینصورت برتری دادن به حقوق منتقل‌الیه، ترجیح بلا مرجح خواهد بود، به همین دلیل است که قانونگذار حساسیت نشان داده و علاوه بر بلا اثر نمودن تاریخ مزبور ظهرنویس را نیز مزور شناخته است.

ج - خط زدن قید «حواله کرد» و منع ظهرنویس از ظهرنویسی مجدد:

نکته مهم و قابل طرح این است که آیا هر نوع برات و سفته‌ای، اعم از اینکه کلمه «حواله کرد» آن خط خورده و یا خط نخورده باشد، همچنین ظهرنویس، دارنده بعدی را از انتقال منع کرده و یا نکرده باشد، قابل انتقال و ظهرنویسی می‌باشد یا خیر؟ در مقام پاسخ به این سؤال می‌توان گفت: قانونگذار در ماده (۲۴۵) قانون تجارت،

اصل را بر انتقال بروات گذارده و اعلام می‌دارد، انتقال برات بوسیله ظهرنویسی بعمل می‌آید. ولی با توجه به مقررات پذیرفته شده در کنوانسیون ژنو، (مورخ ۷ ژوئن ۱۹۳۰) در زمینه برات و سفته، که قانونگذار ایرانی بطور غیرمستقیم از آن بهره گرفته است و با عنایت به مقررات خاصی که در زمینه اسناد تجارتي و آثار و تبعات صدور، ظهرنویسی و مسئولیت امضاء کنندگان آن و نقش و اعتبار متفاوت هریک از صادرکنندگان، ظهرنویسان و دارندگان برات در صدور، انتقال و اعمال حقوق خود و تضمینات مربوطه وجود دارد، باید بر آن بود که چنانچه کلمه «حواله کرد» مندرج در متن برات یا سفته خط خورده و اسناد مذکور فقط در وجه شخص معین، و نه بحواله کرد او، صادر گردد، با ملاحظه داشتن امتیازات مربوط به اینگونه اسناد در حقوق تجارت قابل ظهرنویسی نبوده و دارنده نمی‌تواند تمام حقوق ناشی از سند را به دیگری منتقل سازد. همچنین است در موردیکه، ظهرنویس، دارنده بعدی را از انتقال و ظهرنویسی سند منع نماید که در چنین حالتی نیز اگر دارنده، سند مزبور را ظهرنویسی کند ظهرنویس منع کننده از انتقال، در صورت اقامه دعوی از مسئولیت مبرا خواهد بود.

دلایل توجیهی نظر اخیر را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

۱ - باتوجه به این نکته که، علاوه بر رعایت شرایط الزامی در صدور برات ممکن است شرایط اختیاری نیز در اسناد مزبور وجود داشته باشد، بعضی از حقوقدانان^۱ قید «بدون حواله کرد» را جزء شرایط اختیاری در بروات ذکر نموده، می‌گویند: قید «بدون حواله کرد» دارنده برات (محتال) را از حق ظهرنویسی محروم می‌نماید و منظور براتکش از قید این عبارت این است که دارنده برات شخصاً به محال علیه (براتگیر) مراجعه کند. چنانکه ملاحظه می‌گردد، ذکر قید «بدون حواله کرد» در برات، ظهرنویسی و انتقال آن را با امتیازات مربوطه، غیرممکن می‌سازد و این مسأله در واقع همان خط زدن کلمه «حواله کرد» می‌باشد. به این معنا که تفاوتی میان ذکر قید «بدون حواله کرد» و خط زدن کلمه «حواله کرد» مندرج در برات وجود ندارد، چه اینکه ممکن است گاهی براتکش «قید بدون حواله کرد» را در متن برات بنویسد و گاهی «حواله کرد» مکتوب در برات را خط بزنند که این هر دو مبین اراده واحد براتکش مبنی بر منع نمودن انتقال برات، می‌باشد. البته باید توجه داشت که تنها ظهرنویسی انتقالی در مورد مذکور ممکن نیست ولی اگر دارنده بخواهد

به دلایلی سند را بعنوان وکالت ظهرنویسی نماید، چون دارنده جدید وکیل دارنده اصلی در وصول وجه و اقدامات دیگر قانونی می‌باشد و مثل این است که دارنده اصلی، خود اقدام به اجرای حقوق خویش می‌نماید، ایرادی متصور نخواهد بود.

حقوقدانان معتقدند^۲: «در صورتیکه براتکش در برات، عبارت «غیر بحواله کرد» و یا مثلاً «فقط در وجه فلان شخص پرداخت گردد» را قید نماید، در این صورت دارنده برات شخصاً باید به محال علیه مراجعه کند و وجه برات را در سر رسید دریافت دارد و یا با ذکر نام و نام خانوادگی شخصی دیگر، حقوق خود را به دیگری انتقال دهد و به این طریق انتقال برات با پشت نویسیهای متعدد محدود می‌شود.

۲ - مطابق شق دوم ماده (۱۱) کنوانسیون متحدالشکل ژنو، چنانچه براتکش عبارت «بدون حواله کرد» یا مشابه آن را در متن برات قید نموده باشد، این سند به صورت انتقال ساده و با آثار مترتب بر انتقال ساده قابل واگذاری می‌باشد.^۳ بنابراین مطابق ماده مذکور، در صورت نوشتن عبارت «بدون حواله کرد» یا عبارت مشابه در برات، انتقال این سند دارای امتیازات خاص ظهرنویسی در اسناد تجارتي نخواهد بود و تنها دارای آثار انتقال اسناد

۱ - راستین، پیشین، ص ۲۵۱/ محمود عرفانی، حقوق تجارت، ۳ جلد (تهران: دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵)، جلد اول، ص ۱۶۹.

۲ - راستین، پیشین ص ۲۶۱.

عادی می باشد. برخی حقوقدانان^۱ نیز از ماده (۱۱) کنوانسیون مزبور چنین استفاده نموده اند که چنانچه متعهد سفته [یا براتکش] کلمه «حواله کرد» را خط زده یا کلمات «غیرقابل انتقال بودن» یا اصطلاح معادل را بکاربرد، در این صورت انتقال سفته [یا برات] با ظهور نویسی امکان پذیر نخواهد بود. (یقیناً، منظور نویسنده مزبور از عدم امکان ظهور نویسی در شرایط یاد شده، ظهور نویسی با آثار ظهور نویسی در اسناد تجاری می باشد).

۳ - از آنجا که در حقوق تجارت در خصوص اسناد تجاری، مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان پذیرفته شده و اجرا میگردد، و از طرفی اصل بر این است که اینگونه اسناد قابل انتقال و ظهور نویسی باشد تا هدف قانونگذار از تأسیس چنین اسنادی در تجارت، محقق گردد، لذا، باید بر آن بود که چنانچه صادرکننده یا ظهور نویس، صریحاً عدم انتقال اینگونه اسناد را در متن آنها قید نموده و یا به نحو دیگری نظیر خط زدن «حواله کرد» اراده خود را مبنی بر عدم انتقال سند اظهار نماید، سند قابل انتقال و واگذاری نمی باشد. چه اینکه ممکن است، صادرکننده بخواهد تنها شخص معینی از وجه سند

استفاده نموده و قابل پشت نویسی به غیر نباشد تا در متن و مندرجات برات یا سفته جعل و تزویری از جانب ظهور نویسها صورت نگیرد و صادرکننده یا ظهور نویس بعنوان یکی از مسئولین پرداخت برات به دادگاه کشانده نشوند.

۴ - ظهور نویس نیز می تواند، ظهور نویسی دیگر را منع کند. بنابراین اگر دارنده برات، آن را پشت نویسی نموده و به اشخاص دیگری انتقال داد در این صورت ظهور نویس، که ظهور نویسی را منع کرده در قابل پشت نویسان بعدی مسئولیت و ضمانتی نخواهد داشت.^۲ در قسمتی از ماده (۱۵) کنوانسیون ژنونیز آمده است: «ظهور نویس می تواند ظهور نویسی جدید را نهی کند. در این صورت ظهور نویس هیچگونه تعهدی نسبت به اشخاصی که سند یا ظهور نویسی به آنها منتقل میگردد، نخواهد داشت.

۵ - مطابق بند ۷ ماده (۲۲۳) قانون تجارت، اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخت میشود، باید در برات نوشته شود. برخی از نویسندگان^۳ بر این عقیده اند که موضوع قید «حواله کرد» بعد از اسم دارنده برات، تصریحی است که برای رفع هرگونه شبهه قید گردیده و الا شخص

۳ - مجله حقوقی، شماره دوازدهم (بهار، تابستان ۶۹)، ص ۲۸۱ / منظور از انتقال ساده سند این است که این انتقال تابع مقررات قانون مدنی می باشد نه تابع انتقال (ظهور نویسی) مذکور در قانون تجارت که آثار و احکام خاصی در پی دارد.

۱ - عرفانی، پیشین، ص ۲۲۲.

۲ - محمد علی عبادی، حقوق تجارت (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸). ص ۲۳۴.

دارنده برات... مطابق ماده (۲۴۵) ق. ت. که میگوید: «انتقال برات بوسیله ظهرنویسی بعمل می‌آید» حق دارد وجه آن را به دیگری حواله نماید. بنابراین حق حواله کرد بدون ذکر این قید نیز وجود دارد.

شق اول ماده (۱۱) کنوانسیون ژنویز به این نکته اشاره کرده و میگوید: هر نوع برات را، ولو اینکه صراحتاً به حواله کرد صادر نشده باشد، می‌توان با ظهرنویسی منتقل نمود.

البته در صحت و درستی نکته اخیر، تردیدی وجود ندارد زیرا باتوجه به تأسیس اینگونه اسناد و نقش مهم آنها در تجارت و معاملات مربوطه، اصل بر انتقال و ظهرنویسی اسناد مزبور می‌باشد ولو اینکه قید «حواله کرد» در سند ذکر نشده باشد. ولی مسأله این است که چنانچه قید «حواله کرد» - که در برات یا سفته درج گردیده - بوسیله براتکش یا متعهد خط خورده شود، آیا خط زدن کلمه مزبور به معنای حذف این قید است تا بگوئیم قید تأکیدی حذف گردیده و برات کماکان قابلیت ظهرنویسی را دارا می‌باشد یا باید گفت براتکش یا متعهد با خط زدن «حواله کرد» چنین اراده کرده اند که شخص معینی دارنده سند باشد و تنها او بتواند با مراجعه به براتگیر یا متعهد، وجه آن را دریافت دارد.

بنظر میرسد شق دوم مسأله قویتر باشد. زیرا براتکش با خط زدن کلمه «حواله کرد»

اثر و نتیجه‌ای را اراده کرده است که همان منع ظهرنویسی و رجوع شخص معین یاد شده در برات به براتگیر می‌باشد که این عمل نیز به منزله همان ذکر قید «بدون حواله کرد» در برات می‌باشد که از نظر آثار باید یکسان و مشابه باشند و الا براتکش یا متعهد، با خط زدن «حواله کرد» عمل عبث و بیهوده‌ای را انجام داده که هیچگونه آثار حقوقی در پی نخواهد داشت.

بنابراین باتوجه به دلایل فوق، واضح است که چنانچه برات و سفته، در وجه شخص معین صادر شده و کلمه «حواله کرد» آن خط خورده باشد تنها همان شخص معین می‌تواند وجه سند را دریافت داشته و قابل ظهرنویسی انتقالی نخواهد بود. همچنین اگر ظهرنویس، دارنده بعدی سند را از ظهرنویسی منع نماید، دارنده نمی‌تواند سند را ظهرنویسی نموده و در صورت اقامه دعوی به ظهرنویس ماقبل خود رجوع کند.

د - ظهرنویسی در چک: انتقال چک از طریق ظهرنویسی بعمل می‌آید. بدین معنا که وقتی چکی «بحواله کرد» شخص معین یا در وجه حامل نوشته شده و تسلیم گردیده است، دارنده حق دارد شخصاً وجه آن را وصول کند یا آن را به دیگری انتقال دهد؛ یعنی، بجای اینکه خود او وجه چک را دریافت کند، سپس اقدام به صدور چک دیگری در وجه طلبکار خود بنماید، همان چک را ظهرنویسی نموده، در اختیار شخص

مورد نظر قرار می‌دهد.

در ماده (۳۱۲) قانون تجارت آمده است: «چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا بحواله کرد باشد...». بنابراین از نظر تنظیم و اصدار، ممکن است چک منحصرأ بنام شخص معین صادر شود که این مورد با قلم گرفتن کلمه «حواله کرد» و «آورنده» در صورت موجود بودن در متن چک محقق می‌گردد. همچنین ممکن است چک بحواله کرد شخص معین باشد که در این صورت «حواله کرد» خط زده نمی‌شود و بالاخره ممکن است سند مزبور در وجه حامل صادر گردد که در این صورت ممکن است کلمه «حامل» بعد از کلمه «در وجه...» نوشته شود.

ماده مذکور در دنباله می‌گوید: ممکن است به صرف امضاء در ظهر، چک به دیگری منتقل شود.

مطابق ماده فوق قابل ظهرنویسی بوده و به صرف امضاء در ظهر آن، به دیگری انتقال می‌یابد. اما در مورد امکان ظهرنویسی در چک‌هایی که در وجه شخص معین صادر گردیده، یعنی کلمه «حواله کرد» و «آورنده» در صورت موجود بودن در متن چک خط خورده باشد، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد.

عده‌ای معتقدند که چک بهر صورتی صادر شود، دارنده می‌تواند با ظهرنویسی آن را به دیگری منتقل سازد. نظرات مربوطه به این شرح است:

۱- چکی که به اسم یا به حواله کرد یا حامل نوشته شده و تسلیم گردیده است، دارنده حق دارد شخصاً وجه آن را وصول کند... و هم می‌تواند آن را به دیگری انتقال دهد. نوشتن اینکه وجه چک را در وجه کسی پرداخت کنید ضرورت ندارد و به صرف

چنانچه کلمه «حواله کرد» مندرج در متن برات، سفته یا چک خط خورده و اسناد مذکور فقط در وجه شخص معین، نه بحواله کرد او، صادر گردد، با ملحوظ داشتن امتیازات مربوط به اینگونه اسناد در حقوق تجارت، قابل ظهرنویسی نمی‌باشد و دارنده نمی‌تواند تمام حقوق ناشی از سند را به دیگری منتقل سازد.

امضاء در ظهر چک و تسلیم به دیگری، منتقل می‌شود.^۱

۲- بنا به ماده (۳۱۲) قانون تجارت که امکان اصدار سه نوع چک را بیان داشته و

اگر چک در وجه حامل باشد نیازی به ظهرنویسی نبوده و انتقال آن با قبض و اقباض عملی می‌گردد و چنانچه چک بحواله کرد شخص معین صادر شده باشد،

۱- کاتبی، پیشین، صص ۲۳۸ و ۲۳۹.

بلافاصله متعاقب آن ذکر شده است: «ممکن است بصرف امضاء در ظهر چک به دیگری منتقل شود». این قید منحصر به چکهائی نیست که در وجه حامل یا به حواله کرد صادر گردیده بلکه هر سه نوع چک را در بر میگیرد...^۱

۳- بعضی دیگر از نویسندگان نیز بدون اینکه اشاره ای به انواع صورتهای صدور چک نموده باشند، بطور اطلاق، هر نوع چکی را قابل ظهرنویسی و انتقال دانسته اند.^۲

ولی در مقابل نظر فوق، عقیده دیگری وجود دارد که میگوید: در صورتیکه چک بنام شخص معینی صادر شده و کلمه «حواله کرد» آن خط خورده باشد قابل انتقال و ظهرنویسی نمی باشد. نظرات اخیر به شرح ذیل می باشد:

۱- در صورتیکه چک بحواله کرد شخص معینی باشد (مطابق ماده ۳۱۲ ق. ت) قابل ظهرنویسی است ولی چنانچه سند مذکور در وجه شخص معین صادر شود قابل ظهرنویسی نبوده و تنها همان شخص باید

به بانک مراجعه و مبلغ آن را دریافت دارد.^۳
۲- چنانچه در متن چکی که به نام شخص معین صادر گردیده است، «بحواله کرد» آن خط کشیده شود و یا کلماتی از قبیل «غیر قابل انتقال» و امثال آن نوشته شود این چک قابل ظهرنویسی و انتقال به دیگری نمی باشد.^۴

۳- در صورتیکه نام شخص معینی در چک بدون ذکر «بحواله کرد» یا «در وجه» ذکر شده باشد چک فقط قابل پرداخت به آن شخص معین است و انتقال آن بوسیله ظهرنویسی ممکن نیست، بلکه مانند انتقال طلب تابع شرایط قانون مدنی است و در صورتیکه در وجه یا بحواله کرد شخص معینی باشد چک قابل انتقال است و با ظهرنویسی ممکن است آن را به دیگری واگذار نمود.^۵

عقیده دوم قویتر بنظر میرسد؛ یعنی، باید قائل بود به اینکه چنانچه صادرکننده چک، کلمه «حواله کرد» را خط زده یا کلماتی نظیر «غیر قابل انتقال» را در متن چک ذکر نماید، سند مزبور قابل ظهرنویسی نخواهد بود،^۶ الا اینکه آثار ظهرنویسی حقوق تجارت

۱- راستین، پیشین، ص ۱۲۲.

۳- صقری، پیشین، ص ۱۲۲.

۲- عبادی، پیشین، ص ۲۵۵.

۴- عرفانی، پیشین، ص ۲۹۴.

لازم بذکر است، مطابق ماده ۱۴ کنوانسیون متحد الشکل ژنو، اگر چک در وجه شخصی معین صادر شده باشد از طریق ظهرنویسی قابل انتقال است ولو اینکه کلمه «حواله کرد» در آن قید نشده باشد، و در صورتیکه در متن چکی که بنام شخص معین است، کلماتی نظیر «غیر قابل انتقال» نوشته شود و شخص مزبور چک را با ظهرنویسی به دیگری انتقال دهد، چنین انتقالی تابع مقررات قانون تجارت نبوده و از مقررات قانون مدنی تبعیت خواهد نمود. (به نقل از: نمود عرفانی، پیشین، ص ۲۹۵)

۵- حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، چهار جلد (بی جا: چاپخانه بهمن، ۱۳۴۷)، جلد سوم، ص ۱۲۵.

قانون تجارت ایران به ظهنروسی جزئی اشاره‌ای ندارد ولی کنوانسیون ژنو، اینگونه ظهنروسی را در ماده (۱۲)، باطل و بلا اثر اعلام نموده است.

را از آن سلب نمائیم و انتقال سند را در چنین حالتی تابع مقررات عام حقوق مدنی بدانیم. در حمایت از نظر فوق، می‌توان به دلایلی از جمله عقیده یکی از حقوقدانان در این مورد استناد کرد:

«شخصی که در چک کلمه آورنده یا حامل را قلم می‌گیرد و یا چکی صادر میکند که منحصراً بنام شخصی معین است از اصدار چنین چکی دو قصد یا نیت داشته است: اول آنکه می‌خواهد محال له معین شخصاً به بانک مراجعه کند و بانک با احراز هویت او و گرفتن امضاء از او در پشت چک وجه را به او بپردازد که اگر بعداً اختلافی بین دریافت کننده وجه و صادرکننده چک پیدا شد بتواند بعنوان یک سند از آن استفاده کند. دوم، آنکه نمی‌خواهد چک او با پشت نویسی به دیگری منتقل شود که در متن و مندرجات چک (مبلغ یا تاریخ) تزویری از جانب پشت نویسها صورت گیرد و امکان یافتن مزور دشوار باشد، از این جهت در این نوع چکها بهتر است قصد و اراده صادرکننده چک محترم شمرده شود، بخصوص که

چک بیشتر به توسط افراد غیربازرگان و برای مقاصد غیربازرگانی صادر میگردد».^۲
از طرفی قانونگذار در ماده (۳۱۲) ق. ت. امکان اصدار سه نوع چک را پیش بینی کرده است: چک در وجه حامل، بنام شخص معین یا بحواله کرد او، که اصولاً باید صدور چک به هریک از انواع مذکور دارای آثار مخصوص بخود باشد. و الا اگر در موضوع مورد بحث، بپذیریم که انتقال چکی که بحواله کرد شخص معین صادر شده، همانند چکی است که بنام شخص معین صادر گردیده و کلمه «حواله کرد» آن توسط صادرکننده قلم گرفته شده، در این صورت از قصد و اراده مسلم مقتن در بیان صورتهای صدور چک عدول کرده ایم.

در مورد شق دوم ماده مذکور نیز که می‌گوید: «ممکن است به صرف امضاء چک به دیگری انتقال یابد» باید بر آن بود که این حکم مربوط به چکهای قابل انتقال بوده، یعنی کلمه «حواله کرد» در متن چک قید شده که بدون قلم گرفتنی ظاهر در جواز انتقال آن می‌باشد نه در مورد چکهایی که قید

۶ - دلایل توجیهی این نظر قبلاً در بند ج مربوط به خط زدن قید «حواله کرد» در برات و سفته ذکر گردید.

۱ - راستین، پیشین، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

۲ - همان، ص ۳۰۳.

«حواله کرد» آن خط خورده یا «غیرقابل انتقال» بودن آن تصریح گردیده است. بعلاوه، رعایت مقررۀ مذکور در ماده یاد شده، در انتقال انواع چک الزامی نیست زیرا می‌توان چکهای در وجه حامل را بدون ظهرنویسی به دیگری انتقال داد.

همچنین مطابق ماده (۲۵) پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت ناظر به برات، سفته و چک که از طرف معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری تنظیم شده ولی تا بحال به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است: «چنانچه برات حین صدور یا هنگام ظهرنویسی متضمن عباراتی باشد که صراحتاً انتقال برات را توسط دارنده آن ممنوع کند و یا تصریح نماید که وجه برات فقط به شخص معینی پرداخت شود، در این صورت برات دیگر قابل انتقال نخواهد بود».

نکته ای که در اینجا ذکر آن ضروری می‌نماید، این است که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اداره نظارت بر امور بانکها - در پاسخ به نامه بانک صادرات ایران (طی بخشنامه شماره نب/ ۴۷۰۱ مورخ ۱۴/۱۰/۶۷) به این بانک و سایر بانکها اعلام نموده است که «... خط زدن یا خط نزدن عبارت مورد بحث (بحواله کرد) تأثیری در قابلیت انتقال چک ندارد. بنابراین نحوه پرداخت چکها اعم از اینکه

عبارت «بحواله کرد» روی آنها خط بخورد یا نخورد باید یکسان باشد...».

بانک صادرات نیز با صدور بخشنامه (شماره ۴/۳۳/۶۸ مورخ ۲۳/۵/۶۸) به بانکهای مناطق و شعب مستقل، موضوع را خاطر نشان ساخته و در ماده (۱) میگوید: «چک اعم از اینکه در وجه حامل یا شخص معین (حقیقی و یا حقوقی) باشد و اعم از اینکه کلمه آورنده آن خط خورده و یا خط نخورده باشد به صرف امضاء در ظهر آن به دیگری منتقل میشود...».

هر چند موضوع مورد بحث از دیدگاه حقوقدانان تجارت مورد اختلاف واقع شده ولی با عنایت به دلایل یاد شده حکم مذکور چندان قوی بنظر نمی‌رسد. از اینرو تصحیح آن وسیله مقامات مسئول ضروری بوده، گو اینکه در حال حاضر نیز رویه واحدی از سوی بانکها در این زمینه اجرا نمی‌گردد.

چنانچه معلوم گردد چکی دارای نقص ظاهری مشخص (فاقد مندرجات اجباری) بوده یا جعلی می‌باشد و یا اینکه صادرکننده فاقد اهلیت بوده است اصولاً به دلیل عدم اعتبار، قابل ظهرنویسی نخواهد بود.

ظهرنویسی چک، ممکن است بصورت در «وجه حامل»، بحواله کرد شخص معین یا سفید امضاء^۱ با هدف انتقال به غیر انجام شود. همچنین امکان دارد ظهرنویسی انتقالی نبوده و عنوان وکالت در وصول داشته

۱ - منظور از سفید امضاء یا سفید مهر آن است که چک فقط امضاء شده ولی مبلغ، تاریخ و نام متعهد له یا حواله کرد در آن نوشته نشده باشد.

باشد که در این صورت باید به آن تصریح شود و الاً ظهرنویسی مربوطه، انتقالی محسوب میگردد.

قانونگذار در مورد اسناد تجارتي به ظهرنویسی تضمینی آنها اشاره نکرده است ولی چنانکه پیشتر بیان گردید، ظهرنویسی تضمینی برات و سفته بی اشکال بوده و رایج می باشد. اما در مورد چک باید گفت، چون این سند برخلاف برات و سفته، تنها یک وسیله پرداخت به شمار میرود و نقش پول نقد را ایفاء نموده و کمتر جنبه اعتباری دارد، اصولاً نباید مورد تضمین و وثیقه واقع شود. مع ذلک ماده (۱۲) قانون صدور چک (مصوب سال ۱۳۵۵) در بندهای ۳ و ۴ خود با قابل تعقیب کیفی نداشتن صادرکننده سند در این مورد، بطور غیرمستقیم براین عرف غیرمعقول صحه گذارده و آن را به رسمیت می شناسد.

هـ - ظهرنویسی جزئی^۱: قانون تجارت ایران به ظهرنویسی جزئی اشاره ای ندارد ولی کنوانسیون ژنو، اینگونه ظهرنویسی را در ماده (۱۲)، باطل و بلا اثر اعلام نموده است. این ماده میگوید: «ظهرنویسی جزئی در برات باطل و بلا اثر است». چون مقررات مربوط

به ظهرنویسی برات، در مورد سفته نیز اجرا میشود بنابراین ظهرنویسی جزئی در سفته نیز، مطابق کنوانسیون مذکور، باطل و بلا اثر می باشد.^۲

در توجیه علت وضع ماده مذکور می توان گفت، چون معمولاً پشت نویسی جزئی در عمل، مواجه با اشکال میگردد و دارندگان سند نمی توانند با سهولت حقوق خود را استیفاء نمایند (مخصوصاً به هنگام اقامه دعوی و رعایت مواعد مذکوره در قانون تجارت) لذا کنوانسیون یاد شده این نوع ظهرنویسی را ممنوع اعلام داشته است. از طرفی ظهرنویسی مزبور در عرف و عادت تجارتي و در میان تجار اهمیت چندانی نداشته و شاید تا بحال بندرت انجام گرفته باشد. زیرا، با گستردگی حقوق اسناد تجارتي و امکانات فنی حقوقی، بدهکار و بستانکار در عمل، لزومی به این ظهرنویسی نمی بینند، چه، اگر بستانکار فرضاً فقط به اندازه نیم مبلغ برات از ناقل طلبکار باشد می تواند در قبال انتقال تمام حقوق برات، سفته یا برات دیگری جهت مابه التفاوت در وجه مدیون صادر کرده و برات اول را در صورت لزوم بعنوان وثیقه پرداخت وجه سفته در حق ذی نفع ظهرنویسی تضمینی نماید.^۳

۱ - منظور از ظهرنویسی جزئی، انتقال مقدار و جزئی از مبلغ مندرج در سند می باشد.

۲ - ماده ۷۷ کنوانسیون میگوید: قواعد زیر در مورد برات نسبت به سفته نیز جاری است، مشروط بر اینکه با طبیعت حقوقی این سند مغایرت نداشته باشد: ظهرنویسی (مواد ۱۱ تا ۲۰)، تاریخ پرداخت (مواد ۳۳ تا ۳۷) و ... (به نقل از مجله حقوقی، پیشین، ص ۳۰۷)

۳ - صفری، پیشین ص ۴۳.

با این وجود، چون در قانون تجارت ایران، ظهرنویسی جزئی منع نشده است لذا با بی اشکال دانستن این نوع ظهرنویسی، چنانچه سند، دارندگان متعددی پیدا کند بنظر می‌رسد باید از طریق انعقاد قراردادی میان دارندگان و انتخاب یکی از آنها بعنوان وکیل از طرف سایرین در انجام امور لازم جهت وصول مبلغ، اقدام گردد. ناگفته نماند که بموجب قانون اسناد قابل معامله^۱ ایالات متحده آمریکا، ظهرنویسی برات باید در مورد تمام مبلغ مذکور در برات بعمل آید و اگر پشت‌نویس قسمتی از حقوق خود را در برات به دیگری انتقال دهد و یا تمام حقوق خود را به دو یا چند نفر انتقال دهد، چنین براتی از صورت سند بازرگانی خارج می‌گردد.^۲

و- حقوق و مسئولیت ظهرنویسان:
ظهرنویس دارنده براتی است که برات خود را بوسیله ظهرنویسی به دیگری انتقال می‌دهد. ظهرنویسی فقط یک انتقال طلب ساده نیست بلکه ظهرنویس نیز مانند سایر امضاءکنندگان برات، در موارد معینی مسئول پرداخت برات میشود.
قانون تجارت ایران هیچگونه محدودیتی برای ضمانت ظهرنویس قائل نمی‌شود و حتی پیش‌بینی نشده است که ظهرنویس

می‌تواند خود را از این تضمین معاف کند. در صورتیکه ماده (۱۵) قانون متحدالشکل ژنو تصریح میکند: «ظهرنویسی جز در صورت شرط مخالف ضامن قبولی و پرداخت برات است». بنابراین ظهرنویس می‌تواند در ظهرنویسی قید کند که ضامن قبولی یا پرداخت نیست.^۳

دارنده براتی که بوسیله ظهرنویسی به او منتقل شده است دارای حقوقی می‌شود که به برات تعلق می‌گیرد. با انتقال برات رابطه بین ظهرنویس و دارنده جدید قطع نمی‌شود بلکه ظهرنویس در مقابل دارنده فعلی و دارنده بعدی ضامن پرداخت است. ماده (۲۴۹) ق. ت. تصریح میکند که «ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند»^۴ و ماده (۴۷) کنوانسیون ژنو نیز مقرر میدارد: «برات‌دهنده، قبول‌کننده، ظهرنویس یا ضامن بواسطه ضمانت در برات، همگی در مقابل دارنده مسئولیت تضامنی دارند. دارنده حق دارد بدون الزام به رعایت ترتیب تعهد هر یک از حیث تاریخ، علیه اشخاص فوق مجتمعا یا منفرداً اقدام قانونی بعمل آورد. همین حق را هر شخص امضاءکننده برات در صورت پرداخت مبلغ آن، دارا می‌باشد. بنابراین اقامه دعوی علیه یکی از مسئولان برات مانع اقدام علیه

1). The Negotiable Instruments Law

۲- راستین، پیشین، ص ۲۶۳ و ۲۶۴.

۳- ستوده تهرانی، پیشین، ص ۶۶.

۴- مفاد ماده ۲۴۹، ق. ت. ایران نظیر مندرجات ماده ۴۷ کنوانسیون ژنو می‌باشد.

مسئول پرداخت وجه برات، در درجه اول، براتگیر (محال علیه) می‌باشد. اگر براتگیر برات را نکول کرده و مبلغ را در سررسید تأدیه نکند دارنده می‌تواند پس از اعتراض عدم تأدیه به هریک از مسئولین برات اعم از ظهرنویسها، براتکش (محیل) و یا ضامن اگر باشند جهت وصول وجه رجوع کرده و در صورت عدم پرداخت به دادگاه جهت دریافت اصل طلب و خسارات قانونی، مراجعه نماید.

دیگران نیست و لو اینکه تاریخ تعهد آنها مؤخر بر تعهد شخص مورد تعقیب باشد».

باید توجه داشت که در درجه اول، مسئول پرداخت وجه برات، شخص براتگیر (محال علیه) می‌باشد. بنابراین اگر براتگیر برات را نکول کرده و مبلغ را در سررسید تأدیه نکند دارنده می‌تواند پس از اعتراض عدم تأدیه^۱ به هریک از مسئولین برات اعم از ظهرنویسان، براتکش (محیل) و یا ضامن اگر باشند جهت وصول وجه رجوع کرده و در صورت عدم پرداخت به دادگاه جهت دریافت اصل طلب و خسارات قانونی مراجعه نماید.

همچنین، اگر دارنده بخواهد از امتیازات مذکور در ماده (۲۴۹) ق. ت. استفاده کند باید مواعد ذکر شده در مواد (۲۸۶) و (۲۸۷) این قانون را دقیقاً رعایت نماید. در ماده (۲۸۶) آمده است: «اگر دارنده براتی که باید

در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که در ماده (۲۴۹) برای او مقرر داشته استفاده نماید باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید.

در مورد برواتی که باید در خارج از کشور پرداخت شود اقامه دعوی علیه برات دهنده و یا ظهرنویسان مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید بعمل آید.^۲ (ماده ۲۸۷ ق. ت.)

مسئولیت ظهرنویسان چک نیز همانند مسئولیت ظهرنویسان در برات و سفته می‌باشد. اما اقامه دعوی علیه آنها مشروط به رعایت مواعد خاص مذکور در مواد (۳۱۵) و (۳۱۷) ق. ت. می‌باشد. مطابق مواد یاد شده، در صورتیکه وجه سند (چک) در همان مکان صدور باید پرداخت شود، دارنده باید در ظرف پانزده روز نسبت به مطالبه آن اقدام

- ۱ - در صورتیکه دارنده، با امتناع براتگیر از تأدیه وجه برات رو برو گردد، باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده، امتناع مزبور را بوسیله نوشته‌ای که اعتراض عدم تأدیه نامیده میشود معلوم نماید. (ماده ۲۸۰ ق. ت.)
- ۲ - مدتهای مذکور در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷، قبلاً ۳ ماه و ۶ ماه بود که بر اساس اصلاحات سال ۱۳۵۸، به یکسال و دو سال افزایش یافت.

نماید و چنانچه چک می‌بایست در نقطه دیگر، غیر از محل صدور مطالبه گردد، لازم است دارنده موعد ۴۵ روز را رعایت کند. ضمانت اجرای عدم رعایت مقررات فوق (قسمت اول ماده ۳۱۵) سقوط حق اقامه دعوی ذی نفع علیه ظهرنویسان است. اگر وجه چک به سببی از اسباب که مربوط به بانک محال علیه است از بین برود دعوی دارنده، علیه محیل (صادرکننده چک) نیز مسموع نخواهد بود. (قسمت دوم ماده).

اگر چک در کشورهای خارجی صادر شده و باید در ایران پرداخت گردد، حکم بخش دوم ماده (۳۱۵) کماکان جاری خواهد بود مشروط بر اینکه از تاریخ صدور بیش از مدت چهارماه^۱ نگذشته باشد. (ماده ۳۱۷ ق. ت.) مسأله قابل توجهی که قانون لزوماً از آن صحبت به میان آورده این است که هر مسئول در صورت پرداخت مبلغ برات به دارنده آن، حق مراجعه به سایر مسئولان برات را دارد. بند سوم ماده (۲۴۹) ق. ت. مقرر میدارد: «همین حق (حق رجوع) را هریک از ظهرنویسها نسبت به برات دهندنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد».

چنانکه از ماده نامبرده استفاده می‌شود، هر ظهرنویسی که وجه برات را به دارنده، پرداخت نماید، تنها حق مراجعه

به پشت نویسهای ماقبل خود را خواهد داشت. (پشت نویسانی که همگی در مقابل پرداخت کننده مسئولیت تضامنی دارند.) بنابراین پرداخت کننده به میل و مصلحت خود می‌تواند به هریک از آنها مراجعه نماید، اما نمی‌تواند به ظهرنویسان بعد از خود مراجعه کند. دلیل این امر آن است که برات مزبور قبل از آنکه به دست آخرین ظهرنویس برسد، بارها با ظهرنویسهای پیاپی به افراد منتقل شده و همه آنها در نقل و انتقال و معامله آن سهم بوده و مطابق مقررات قانون تجارت در مقابل دارنده پس از خود مسئولیت تضامنی داشته‌اند. لذا ظهرنویسی که قبل از انتقال سند، خود دارنده سند بوده و بعداً مبلغ را به ذی نفع پرداخته است می‌تواند تنها به ظهرنویسهای قبل از خود مراجعه کند زیرا روابطی که ذکر گردیده صرفاً میان او و ظهرنویسان قبل از او وجود داشته است نه میان وی و ظهرنویسان پس از او، چون اوست که با ظهرنویسی، سند را به منتقل الیه در جهت اسقاط دین خود داده و ضامن اعتبار آن نسبت به این شخص و اشخاص بعد از او می‌باشد.

ممکن است یک نفر دو بار بعنوان ظهرنویس، برات را امضاء نماید. این وضع زمانی پیش می‌آید که سند پس از رسیدن

۱ - این مدت به یکسال افزایش یافته است (اصلاحی سال ۱۳۵۸). نکته قابل توجه دیگر اینکه، ذکر محل صدور چک که در ماده ۳۱۱ ق. ت. نیز بیان شده است جهت امکان اجرای مقررات ماده ۳۱۵ قانون مذکور می‌باشد ولی امروزه در فرمهای اوراق چک که از طرف بانکها تحویل مشتری میگردد جایی برای ذکر محل صدور پیش بینی نشده که بدین ترتیب نقص مزبور از جمله نقائص برگه‌های چک می‌باشد.

مبلغی که پرداخته است از پشت‌نویسهای قبل از اولین ظهرنویسی خود و همچنین از برات دهنده اقدام نماید.

اگر پرداخت کننده مبلغ برات، خود براتکش باشد، نامبرده در صورتیکه «محل برات»^۲ را نزد براتگیر تشکیل داده باشد می‌تواند به او مراجعه کند و الا این حق از او زایل میگردد، چون مسئول اصلی سند، صادرکننده آن است.

رجوع ظهرنویس به دیگر مسئولان برات در موارد فوق در مورد ظهرنویس سفته و چک نیز صادق می‌باشد.

ز - نتیجه گیری:

همانگونه که بیان گردید، برات، سفته و چک به لحاظ نقش مهمی که در معاملات (خصوصاً داد و ستدها، خرید و فروش و مبادلات بازرگانی) ایفاء می‌کنند از مهمترین اسناد تجارتي محسوب میشوند. این اسناد سبب میگردند تا نقل و انتقال وجوه نقد، کمتر صورت گیرد و وسیله‌ای جهت پرداخت فوری مبلغ، همچنین تأمین و تقویت اعتبار برای تاجر (اعم از شخص حقیقی و حقوقی)، تلقی گردند.

به دست شخصی که آن را برای طلبکار خود ظهرنویسی میکند به گردش ادامه داده و بعد از مدتی قبل از سررسید، دوباره به نفع همان شخص پشت‌نویسی شود. در این حالت باز فرض بر این است که این فرد دوباره سند را پشت‌نویسی کرده و در سررسید، دارنده آن مواجه با عدم پرداخت از جانب براتگیر (محال علیه) میشود. حال اگر ظهرنویس مذکور در اثر مراجعه دارنده، وجه برات را در حق او کارسازی نماید چون دوبار در سند ظهرنویس بوده است به ظهرنویسهای مابین دو ظهرنویسی خود حق مراجعه نخواهد داشت اگرچه قبل از آخرین پشت‌نویسی او واقع میگردند. چون با ظهرنویسی اول این شخص مسئول اعتبار برات در مقابل آن ظهرنویسه است.^۱

بعلاوه شخص واحد هیچگاه نمی‌تواند در مقابل دین واحد، دوبار مسئولیت پرداخت آن را پذیرفته یا با دیگران مسئولیت تضامنی پیدا کند. بنابراین وجود مسئولیت اولیه ظهرنویس در عدم امکان مراجعه وی به ظهرنویسان بعد از خود، دلیل قانع کننده‌ای بنظر میرسد.

اما همانگونه که ذکر شد، ظهرنویس پرداخت کننده می‌تواند نسبت به وصول

۱ - صقری، پیشین، ص ص ۶۹ و ۷۰.

۲ - محل برات، به این معناست که براتکش قبل از صدور یا همزمان با آن یا بعد از به گردش درآمدن سند و یا بالاخره در سررسید، بستانکار وجهی نزد براتگیر باشد. به عبارت دیگر «محل برات» عبارت از طلب حال یا مؤجلی می‌باشد که براتکش از براتگیر (محال علیه) دارد. به برواتی که فاقد محل مذکور باشند، برات بی محل یا سازشی میگویند.

شود، ظهنروسی انتقالی خواهد بود، به این معنا که تمام حقوق ناشی از سند به دیگری (دارنده جدید) انتقال پیدا میکند ولی چنانچه ظهنروسی با تصریح به وکالت در وصول یا جهت تضمین صورت پذیرد، ظهنروسی غیرانتقالی تلقی شده و دارنده دارای حقوقی ضعیفتر نسبت به مورد قبل خواهد بود.

اسناد تجارتي زمانی قابل ظهنروسی انتقالی با امتیازات مندرج در قانون تجارت خواهد بود که کلمه «حواله کرد» مندرج در متن سند که نشان دهنده قابلیت انتقال و ظهنروسی است، خط نخورده باشد و یا ظهنرویس، دارنده جدید سند را از ظهنروسی منع نکرده باشد و الا انجام ظهنروسی مانند انتقال طلب، تابع شرایط قانون مدنی خواهد بود که بدین ترتیب مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان نیز کان لم یکن میگردد.

یکی از موضوعات مهمی که مؤثر در توسعه و پیشرفت تجارت و معاملات تجارتي می باشد سرعت در عمل و تأمین و تقویت اعتبار تاجر است که در ارتباط با موضوع مورد بحث، صدور، ظهنروسی و معاملات اسناد تجارتي هر کدام بنوبه خود در تأمین و تحقق موارد یاد شده نقش اساسی دارند. از اینرو قانونگذار برای اینگونه اسناد و عملیات مربوط به آنها احکام و مقررات خاصی پیش بینی نموده که رعایت دقیق مقررات مذکور امتیازات و تضمینات قابل توجهی را برای ذی نفع به دنبال خواهد داشت.

مسأله قابل توجه که بخشی از مقررات اسناد تجارتي به آن اختصاص یافته، ظهنروسی می باشد. این عمل طریق معمول و عمده واگذاری و نقل و انتقال سند می باشد که با امضاء دارنده، در ظهن آن بعمل می آید. اگر ظهنروسی بدون هیچ قید و شرطی انجام

فهرست منابع

- ۱- اداره تشکیلات و روشهای بانک صادرات ایران، مجموعه دستورات سیستمهای عملیاتی، تهران: بانک صادرات ایران، بی تا.
- ۲- راستین، منصور، حقوق بازرگانی، تهران: انتشارات علوم اداری و مدیریت بازرگانی، ۱۳۵۳.
- ۳- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، چهارجلد بی جا: چاپخانه بهمن، ۱۳۴۷، جلد سوم.
- ۴- صقري، محمد، جزوه حقوق تجارت (۳)، تهران: دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۶۹.
- ۵- عبادی، محمد علی، حقوق تجارت، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸.
- ۶- عرفانی، محمود، حقوق تجارت، ۳ جلد. تهران: دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵، جلد اول.
- ۷- کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، تهران: انتشارات کتاب فرزانه، ۱۳۶۲.
- ۸- مجله حقوقی، شماره دوازدهم، بهار- تابستان ۱۳۶۹.